



نیکو ترین نیکو خلق نیکو است.

نیم نگاه

## فضائل فردی

## امام حسن



نکته‌ها

آیت الله خاّری شیرازی

**شجاعت امام حسن(ع)**
**خفی و شجاعت امام حسین(ع)**
**جلی است**
**ترسیده**
**دلیر**
**ما را اینکه مردم آن را ترسو بدانند، می‌رسند.**
**امام مجتبی(ع)**
**از این حرف نترسیدو این شجاعت است.**

**عابد بود**
**امام هنگام وضو و آمده شدن برای نماز تمام باهایش لرزید و رنگش زرد می‌شد.**
**در این باره از حضرت سوال کردند:**
**فرمود:**
**برای کسی که در مقابل پروردگارش ایستاده سزاوار است رنگش پریدم و باهایش بلرزد.**
**آن بزرگوار، صوّتی زیبا در قرأت قرآن داشت و علوم قرآن را از کودکی**



رسول خدا(ص) **بهشتی!**
**صدقه**
**چنان است که گویی همه مردم را نجات بخشیده است(ص)**
**حسن به معنای نیکو گذاشت.**
**برای آن حضرت القاب بسیاری نقل شده**
**همچون تقی، طیب، زکی، سید، سبط، امین، مجتبی و…**
**که از این بین لقب سید را خود پیامبر (اکرم) به ایشان داده است.**
**کنیه آن حضرت را «ابوالمجد» و «ابوالقاسم» گفته‌اند که «ابومجد» را پیامبر خدا به آن حضرت داده است.**

منظرات و احتیاج‌های مهیج و کوبنده امام حسن(ع) با معاویه و مزدوران و طرفداران او مانند عمروعاص، عتبه بن ابی سفیان، ولید بن عقبه، مغیره بن شعبه بن علی(ع) عابدترین مردم زمان خود و زاهدترین آن‌ها و برترین آن‌ها بود و چنان بود که وقتی حج به جا می‌آورد، پیاده به حج می‌رفت و گاهی نیز پیابرهنه راه می‌رفت و چنان بود که وقتی یاد مرگ می‌کرد، می‌گریست و چون یاد قبر می‌کرد، می‌گریست و چون از قبرمنت وبعث وشرایع می‌کرد، می‌گریست و چون متذکر عبور وگذشت از صراط در قیامت می‌شد، می‌گریست و هر گاه به یاد توقف در پیشگاه خدای تعالی در محشر می افتاد، فریادی می‌زد و روی زمین می افتاد. و چون به نماز می ایستاد پندهای بدش می‌نزدید و چون نام بهشت و جهنم نزد او برده می‌شد می‌گریست و نگران می‌شد و از خدای تعالی رسیدن به بهشت و دوری از جهنم را درخواست می‌کرد. و هرگاه در وقت خواندن قرآن به جمله «یا ایها الیه آموءا» می‌رسید، می‌گفت: «لیک الحمد للهم لیک». و پیوسته در هر حالی که کسی آن حضرت را می‌دید به ذکر خدا مشغول بود و از همه مردم راستگوتر و خدا مستبکران را دوست نمی‌دارد» و سپس شروع به خوردن غذای آنان کرد و چون سیر شدند؛ امام(ع) بخارا تلوار، ۴۳ ص ۳۳) می‌آورد و در مصلاّی خود می نشست و ذکر خدا را می‌گفت تا خورشید بالا بیاید.» (ابن کثیر، معجمی، اسماعیل بن عمر، البدایه و النّهایه، ج۸، ص ۴۱)

**دالم به ذکر خدا مشغول بود**

شیخ صدوق در کتاب امانی به سند خود از امام صادق(ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: حسن بن علی(ع) عابدترین مردم زمان خود و زاهدترین آن‌ها و برترین آن‌ها بود و چنان بود که وقتی حج به جا می‌آورد، پیاده به حج می‌رفت و گاهی نیز پیابرهنه راه می‌رفت و چنان بود که وقتی یاد مرگ می‌کرد، می‌گریست و چون یاد قبر می‌کرد، می‌گریست و چون از قبرمنت وبعث وشرایع می‌کرد، می‌گریست و چون متذکر عبور وگذشت از صراط در قیامت می‌شد، می‌گریست و هر گاه به یاد توقف در پیشگاه خدای تعالی در محشر می افتاد، فریادی می‌زد و روی زمین می افتاد. و چون به نماز می ایستاد پندهای بدش می‌نزدید و چون نام بهشت و جهنم نزد او برده می‌شد می‌گریست و نگران می‌شد و از خدای تعالی رسیدن به بهشت و دوری از جهنم را درخواست می‌کرد. و هرگاه در وقت خواندن قرآن به جمله «یا ایها الیه آموءا» می‌رسید، می‌گفت: «لیک الحمد للهم لیک». و پیوسته در هر حالی که کسی آن حضرت را می‌دید به ذکر خدا مشغول بود و از همه مردم راستگوتر و خدا مستبکران را دوست نمی‌دارد» و سپس شروع به خوردن غذای آنان کرد و چون سیر شدند؛ امام(ع) بخارا تلوار، ۴۳ ص ۳۳) می‌آورد و در مصلاّی خود می نشست و ذکر خدا را می‌گفت تا خورشید بالا بیاید.» (ابن کثیر، معجمی، اسماعیل بن عمر، البدایه و النّهایه، ج۸، ص ۴۱)



ابن کثیر می‌گوید: «کان الحسن اَصْلَی الغداه فی مسجد رسول الله یجلس فی مصلاه حتی ترفع الشمس؛ حسن(ع) هر گاه که نماز صبح را در مسجد رسول خدا(ص) به‌جا می‌آورد و در مصلاّی خود می نشست و

ذکر خدا را می‌گفت تا خورشید بالا بیاید.» (ابن کثیر، معجمی، اسماعیل بن عمر، البدایه و النّهایه، ج۸، ص ۴۱)

**آگاه به هر چه در زمین و آسمان است**

امام علی(ع) پس از شنیدن سخنان امام حسن(ع) با ابوسفیان در حالی که کودکی چهارساله پیش نبود، دربارهٔ فرزندش فرمود: «الحمدلله الذی جعل فی آل محمد من ذریه محمد المصطفیٰ نظیر یحیی بن زکریا و«آئینه‌ال حکم صبیها»؛ سیاس خدای را که در میان آل محمد و در نسل پیامبر خدا، کسی را قرار داد که همچون یحیی بن زکریاست که خداوند در الفتیه، به وی علم و دانش در کودکی عطا کردیم.» (علامه مجلسی، محمدباقر، بخارا، تلوار، ۴۳ ص ۳۴)

معاویه به امام حسن مجتبی(ع) گفت: شنیدم رسول خدا(ص) مقدار خرمای درخت را می‌دانست، آیا چیزی از آن علم در نزد شما هم وجود دارد؟ شیعیان شما چنین می‌پندارند که شما به همه چیز؛ هر چه در زمین و در آسمان است آگاهی دارید. حضرت تسوّل سؤال فرمود: «الحمدلله الذی جعل فی آل محمد من ذریه محمد المصطفیٰ نظیر یحیی بن زکریا و«آئینه‌ال حکم صبیها»؛ سیاس خدای را که در میان آل محمد و در نسل پیامبر خدا، کسی را قرار داد که همچون یحیی بن زکریاست که خداوند در الفتیه، به وی علم و دانش در کودکی عطا کردیم.» (علامه مجلسی، محمدباقر، بخارا، تلوار، ۴۳ ص ۳۴)

**در دفاع از حریم اسلام نرمش نشان نمی داد**

امام مجتبی(ع) هرگز در بیان حق و دفاع از حریم اسلام نرمش نشان نمی‌داد. وی آشکارا از اعمال ضداسلامی معاویه انتقاد و سواپق زشت و تنگین معاویه و دودمان ابی‌بره را قش می‌کرد.

به نیکی می‌دانست.

**چندین بار پیاده به حج رفت**

امام مجتبی(ع) بارها پیاده به حج رفت و از او نقل شده که می‌گفت از پروردگار کم شرم دارم و از ملاقات کنم ولی به سویی خانه او گام برنداشتیم باشیم. گفته‌اند او ۱۵ یا ۲۵ بار پیاده به حج رفت، در حالی که بهترین شتران به دنبال او در حرکت بودند.

حسن(ع) لایق نمی‌شو ند شجاعت امام حسن(ع) را می‌خواند؛ چون کتابی است که با خط درشت نوشته شده؛ اما کار امام حسن(ع) را می‌بینند؛ چون کتابی است که با خط ریز نوشته شده است. خط درشت را با چشم کم‌بوس هم می‌توان خواند، ولی برای خواندن خط ریز، چشم تیزبین لازم است.

## داستان‌هایی از زندگی امام حسن(ع)

# نامش نیک بود و روشش نیکویی



**روزی حسن بن علی(ع) را دیدیم که مشغول خوردن غذا بود و سگی روی میز ایشان نشست و سگ را نفعی که می‌خورد یک‌لقمه هم به این سگ می‌داد. عرض کردیم: یابن رسول الله! خود را از خودتان دور نمی‌کنید؟ حضرت فرمود: تراهیست چون تو از خداوند حیا می‌کنم که چنان‌باری به من ندهد که من بخورم و به او چیزی ندهم.**

حسن(ع) را دید، گفت: من نمی‌دانستم روغن را برای شما می‌خواهند. من حاجتی دارم و آن اینکه دعا کن خداوند فرزند نیکوکار و پرهیزگار به من بدهد. وقتی از طول بیرون آمدم هسرم نزدیک زانم‌اش بود. امام حسن(ع) فرمود: خداوند پسر سالمی که پیرو ماست به تو خواهد داد. وقتی روغن فروش به من‌ترش رفت، دید خداوند پسر سالمی به او داده است. همان پسر وقتی بزرگ شد، همه با نام سید حمیری می‌شناختندش. شاعری معروف، شیعه حقیقی

می‌نست و با تهیدستان همسفره‌ها شد.

**اهل گذشت بود**

امام بسیار با گذشت و بزرگوار بود و از ستم دیگران چشم‌پوشی می‌کرد. بارها پیش می‌آمد که او کشتن حضرت به رفتار ناپایست دیگران، سبب تغییر رویهٔ فرد خطاکار می‌شد.

**شجاع بود**

شجاعت، میراث ماندگار امیرمؤمنان(ع) بود و امام مجتبی(ع) وارث

انسانی که چشم نافذ و بصیر و علم فوق‌العاده‌ای می‌تواند شجاعت امام حسن(ع) را بفهمد. شجاعت امام حسن(ع) خفی و شجاعت امام حسین(ع) جلی است. شجاعت امام حسن(ع) شجاعت عظیمی است، اما کسی متوجه نمی‌شود، به‌خاطر عظمتش درکش نمی‌کند. چیزهایی هستند که

باعلیل عظمتشان دیده نمی‌شوند.

پیش از آن‌رازنهٔ صداهای مهیبی پدید می‌شود. بعضی از جانوران این صدای را می‌شنوند، اما بعضی نمی‌تواند. همان‌انسان چنین گوش‌انسان به‌رخی از فرکانس‌های شدید حساس نیست. حتی پر توهای یا نور هست که به‌خاطر شدت‌شان با چشم قابل رؤیت نیست.

جمع می‌شوند. امام حسن(ع) فرمود: ایها، هیبت؛ چقدر این حرف تو دور از حقیقت است، نه به‌پیرمرد احترام می‌گذاری و نه به‌کودک رحم می‌کنی.

امام(ع) که تکیه داده بود با شنیدن سخنان او از جا حرکت کرد و گفت: دشمن تو کیست تا حقت را از او بگیرم؟ آن مرد گفت: فقر. امام(ع) مدتی سر به زیر انداخت، آنگاه سرش را به‌سوی خادم خود بلند کرد و به او فرمود: آنچه پول نقد هست بیاور. خادم ۵هزار درهم آماده کرد. امام(ع) فرمود: همه را به آن مرد بده، سپس به او فرمود: به همان ستم‌هایی که به من دادی قسمت می‌دهم هرگاه دشمن ظالم طلب تو دوباره آمد نزد من آیی.

**از خداوند حیا می‌کنم**

تجیع می‌نویسد: روزی حسن بن علی(ع) را دیدیم که مشغول خوردن غذا بود و سگی روی میز ایشان نشست بود، هر لقمه‌ای که می‌خورد یک‌لقمه هم به آن سگ می‌داد. عرض کردیم: یابن رسول الله! این سگ را از خودتان دور نمی‌کنید؟ حضرت فرمود: تراهیست کن، چون تو از خداوند حیا می‌کنی که چنان‌باری به من نگاه کنده و من بخورم و به او چیزی ندهم.

**درخت خشکی که خرما داد**

صغار و قطب راودنی و دیگران از حضرت صادق(ع) روایت کرده‌اند: امام حسن(ع) در یکی از سفرها که به عمره می‌رفت، مردی از فرزندان زبیر در خدمت آن حضرت بود. این مرد به پایان مؤمن و کافر می‌رفت. وقتی به آن‌ها می‌رسید، آن‌ها خوار می‌شدند. در یکی از منزلگاه‌ها در کنار آبی نشستند که نزدیک آب، درختان خرمای بود ولی از آب خشک شده بودند. برای آن حضرت زبیر درختی کشی انداختند و برای فرزند زبیر در زیر درخت دیگر، مر نگاهی به بالای سرش کرد و گفت: اگر این درخت خشک نشده بود از میوهٔ آن می‌خوریم.

امام حسن(ع) را دید، پرسید: خرما می‌خواهی؟ رسول الله! خود را از خودتان دور نمی‌کنید؟ حضرت فرمود: تراهیست چون تو از خداوند حیا می‌کنم که چنان‌باری به من ندهد که من بخورم و به او چیزی ندهم. درخت به اعجاز حضرت سبز شد، برگ‌ها رشد کرد و خرما داد. شترانی که همراه آن‌ها بود، گفت: به اعل حبث بچمل رسالت؛ شهادت می‌دهم تو خلیفه خدا در زمین و من خلیفه خدا در آسمان هستم. فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

امام حسن(ع) فرمود: این چادو نیست، خداوند دعای

فرزند پیامبر را استقبال کرد. بعد هم آن قدر خرما از آن درخت چیدند که برای همهٔ کاروان بس بود.

معرفی کرده‌او را «کریم» و «سخی» و «جود» خوانده‌اند. به‌خاطر همین بخشندگی فراوان، او را «کریم اهل بیت» لقب داده‌اند.

**در برابر حوادث دربار بود**

امام حسن(ع) پس از اطلاع از حرکت لشکر معاویه، خطبه‌ای خواند و فرمود: به‌راستی خداوند جهان را بر بند گان خود واجب فرمود و آن را ناگوار ن‌نامید. سپس به مؤمنان مجاهد فرمود: «واصبروا ان الله مع الصّابرين» صبر پیشه کنید که خدا با صابران

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود.

شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمنانش روی میز و پیش بودند و دوسان پشت سرش بودند. یکه و تنها راس‌های الهی انجامداد.

نیستند، اما همین باز بر عکس بر دای‌های خاص قابل رؤیت می‌شود. شجاعت امام حسن(ع) این قدر زیاده‌است که خواص، آن را می‌فهمند. دوسان امام حسن(ع) پشت سرش و دشمنانش روی میز و پیش بودند. امام حسن بن علی(ع) دشمن